

روابط ایران و دانمارک (از آغاز تا انقلاب اسلامی)

محمدعلی کاظم بیکی^۱

چکیده

اگرچه گسترش مناسبات خارجی ایران در سده‌های اخیر مستلزم روابط با تعداد فزاینده‌ای از کشورها بوده است، مطالعات در این زمینه عملاً به روابط ایران با قدرت‌های بزرگ محدود شده است و این امر به مفهوم مغفول ماندن مناسبات تاریخی ایران با سایر کشورها است. مقاله حاضر به بررسی روابط ایران و دانمارک اختصاص دارد که در سده‌های اخیر در شمار قدرت‌های بزرگ غربی قرار نداشت؛ بدین منظور طبیعت، مراحل، وجوه، دامنه و نیز تحول این مناسبات واکاوی می‌شود. یافته‌های این پژوهش دلالت بر آن دارد که در روابط بین دو کشور، توجه علمی دانمارک به ایرانشناسی، بر سایر حوزه‌ها تقدم داشت. به رغم تمایل هر دو دولت ایران و دانمارک برای برقراری مناسبات دو جانبه سیاسی-اقتصادی در اواسط سده ۱۹ میلادی، این اقدام تا اتخاذ راهبرد تعامل با قدرت‌های درجه دوم غربی از سوی تهران و علاقمندی بخش خصوصی دانمارک به مشارکت در برنامه توسعه ایران در دهه ۱۹۳۰ به تعویق افتاد. مناسبات دو جانبه و مبتنی بر منافع ملی میان دو کشور با وجود نتایج سازنده برای طرفین، در مقابل سیاست قدرت‌های بزرگ آسیب‌پذیر بود و همین امر، آن را دستخوش فراز و نشیب‌هایی ناخواسته می‌کرد. افزون بر آن که در عصر پهلوی، به رغم تعلق هر دو دولت به اردوی غرب، محدودیت ظرفیت‌های دانمارک و نیز سیاست‌های هر دو دولت مانع از گسترش متوازن و همه جانبه این روابط گردید.

• واژگان کلیدی
ایران، دانمارک، روابط.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۲/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۵/۱

۱. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

مقدمه

هر گونه سخن در مورد وجود سوابق بسیار طولانی و قطعی برای مناسبات ایران و دانمارک مستند به نظر نمی‌رسد؛ با توجه به بُعد مسافت، این فقدان روابط بین دو کشور چندان عجیب نیست.^۱ با وجود این، مناسبات موجود را نباید کوتاه تصور کرد، زیرا آغاز آن به عصر صفویه باز می‌گردد که با گسترش مناسبات ایران-اروپا همراه بود. در تواریخ عصر قاجاریه، ارتباط بین دو کشور به دوره حکومت شاه صفی منسوب شده است. به گفته اعتمادالسلطنه، در ۱۰۴۹ق. بین دو کشور روابط مودت و تجاری برقرار گردید. چنین می‌نماید که این گزارش موجز که به فرستادگان دوک شلسویک- هولشتاین مربوط است، بیش از هر چیز بر مبنای سفرنامه اولناریوس و با احتساب شلسویک- هولشتاین در قلمرو دانمارک تهیه شده باشد. افزون آن که اظهارات اعتمادالسلطنه در مورد نتایج سفر هیأت مذکور نیز خالی از اغراق نیست، موضوعی که باید به حساب ویژگی‌های تاریخ‌نگاری رسمی گذاشته شود.^۲

۱. کشف سکه‌های ایران عصر ساسانی در دانمارک به تنهایی نمی‌تواند دلیل کافی برای سرآغاز روابط دو کشور محسوب شود، زیرا سکه‌های با عیار بالا و مطلوب ایران می‌توانست از طریق واسطه به دانمارک انتقال یافته باشد. در آثار جغرافیانگاران و مورخان ایرانی قرون وسطی نیز ذکری از دانمارک و اسکاندیناوی به چشم نمی‌خورد. بنا بر منابع موجود، آشنایی ایرانیان با آن کشور به عصر صفویه به بعد باز می‌گردد که به آن با عنوان «دینمرق» و «دنمارق» اشاره می‌شود.

۲. بنگرید به: اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، به کوشش ا. رضوانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۷، ص ۹۴۴؛ این گزارش به اقدام فردریک سوم دوک هولشتاین در جنوب شبه جزیره دانمارک مربوط است که پس از بنای شهر فریدرش شتاد (Friedrichstadt)، در صدد برآمده بود که با تأسیس کارخانه ابریشم بافی در آنجا به رونق و آبادانی شهر بیافزاید. از همین روی، موضوع ارتباط با ایران که از تولیدکنندگان ابریشم بود، در دستور کار فردریک سوم قرار گرفت. در بستر مناسبات سیاسی- نظامی خصمانه اروپای غربی و نیز ایران با امپراتوری عثمانی از یک سوی، رقابت دولت‌ها و تجار اروپایی با هم و همچنین مشکلات حمل و نقل از دیگر سوی، بی‌تردید تهیه ابریشم خام از ایران، کاری فراتر از یک عمل تجاری ساده- یعنی توافق خریدار و فروشنده- بود و عملاً تابعی از متغیرهای مختلف از جمله موافقت و همکاری پایدار دولت یا دولت‌های ثالث می‌شد. بر این اساس، فردریک سوم با وجود عدم موفقیت هیئت اعزامی‌اش به مسکو- شامل فلیپ کروزیوس (Philipp Crusius)، اتو بروگمان (Otto Bruggemann) و اول شلاگر (Oel Schlager) معروف به آدام اولناریوس (Adam Olearius) منشی هیئت- در انعقاد یک پیمان تجاری با میخائیل

به رغم کاستی‌های گزارش اعتماد السلطنه، عصر صفویه به درستی سرآغاز مناسبات سیاسی بین ایران و دانمارک بود، هر چند که نمی‌توان از آن به عنوان شروعی دوستانه یاد کرد. اقدام کمپانی هند شرقی دانمارک مستقر در مستعمره ترنکبار^۱ در سواحل شرقی هندوستان در مصادره کشتی بنگالی والندیس که حامل ۹۰۰۰ تومان کالاهای تجار ارمنی تبعه ایران بود (۱۶۸۷م.)، زمینه ساز تماس رسمی سیاسی اصفهان با کپنهاگ گردید. با توجه به جایگاه ممتاز بازرگانان ارمنی در تجارت خارجی ایران و سیاست دولت صفویه در حمایت از آنان، اقدام مستعمره نشینان ترنکبار نمی‌توانست نادیده انگاشته شود. در ۱۶۹۱ فرستاده‌ای ویژه از سوی شاه سلیمان صفوی (حک. ۱۶۹۶-۱۶۹۴م.) به دانمارک وارد شد تا مکتوب او را در کپنهاگ تسلیم کریستیان پنجم پادشاه دانمارک (حک. ۱۶۷۰-۱۶۹۹م.) کند. نامه مذکور در واقع درخواست غرامت از کمپانی هند شرقی دانمارک از بابت تصرف اموال تجار ایرانی کشتی والندیس بود. به رغم برخورد محترمانه کریستیان پنجم با هیأت ایرانی، توجیه کمپانی هند شرقی دانمارک که اقدام خود در مصادره والندیس را پاسخی به گورکانیان هند قلمداد می‌کرد، مانع از آن شد که تقاضای دولت ایران مورد اجابت کریستیان پنجم قرار گیرد.^۲ بدین ترتیب رویدادی ناخوشایند که می‌توانست فرصتی برای برقراری روابط سیاسی و دوستانه میان ایران و دانمارک شود، از دست رفت، بویژه آن که

اول دوک بزرگ مسکوی که شامل ساخت کشتی برای مسافرت از طریق رود ولگا و دریای مازندران و انتقال ابریشم ایران از راه روسیه بود (۴۴-۱۰۴۳ ق. / دسامبر ۳۴-۱۶۳۳)، در گام بعدی همان هیئت را با تعدادی دیگر از درباریان خود به دربار شاه صفی فرستاد (۱۶۳۶م.). سوء رفتار بروگمان در کنار کارشکنی عامل کمپانی هند شرقی هلند در اصفهان مانع از توافقی میان ایران و هولشتاین شد و هیئت مذکور مجبور گردید که با دست خالی ایران را ترک کند (۱۶۳۷م.)، ر.ک.

R. P. Matthee, *The Politics of Silk Trade in Safavid Iran: Silk for Silver, 1600-1730*, Cambridge University Press, Cambridge, 1999, pp. 141-142; L. Lockhart, "European Contacts with Persia, 1350— 1736," *Cambridge History of Iran*, vol. 6, eds. P. Jackson and L. Lockhart, Cambridge University Press, Cambridge, 1986, p. 397.

1. Trankebar

۲. ماجرای توقیف کشتی بازرگانان جافا و اعتراض دولت ایران به دولت دانمارک، "فصلنامه تاریخ روابط خارجی"، ۳ (۱۳۷۹)، صص ۲۳۹-۲۴۹.

اوضاع سیاسی در ایران در عصر افشاریه و زندیه در سده ۱۸م. از یک سوی، از سوی دیگر مشکلات دانمارک در شرایط حاکم بر حوضه دریای بالتیک در همان دوره، مجال تلاش جهت برقراری روابط دیپلماتیک را برای هیچ یک از طرفین فراهم نمی‌آورد.

فقدان مناسبات سیاسی در دوره مذکور را به هیچ وجه نباید به مفهوم نبود سایر انواع ارتباطات بین دانمارک و ایران تلقی کرد. بر عکس، اطلاعات کافی در مورد رشد ایران‌شناسی در دانمارک در همین دوران در دست است که خود موضوعی مستقل و جالب توجه است.

پیش از بحث در مورد تلاش‌های بعدی ایران و دانمارک برای برقراری مناسبات سیاسی توجه به چند واقعیت ضرورت دارد. نخست آن که از سده ۱۷م. دانمارک تدریجاً در ردیف قدرت‌های درجه دوم اروپا قرار گرفته بود. دیگر آن که ایران نیز از قرن ۱۹م. در حالی دچار رقابت و مداخلات فزاینده و توسعه طلبانه قدرت‌های بزرگ اروپایی بویژه بریتانیا و روسیه بود که با گذشت زمان، ضمن حذف سایر رقبای اروپایی، شرکای اصلی تجارت خارجی کشور می‌شدند. در چنین شرایطی بود که در نیمه دوم سده ۱۹م. هنگامی که تجاوز نظامی بریتانیا به ایران برای دومین بار که به جدایی افغانستان از ایران منجر گردید، افزایش فعالیت دیپلماتیک ایران در اروپا را به دنبال آورد، گامی جدید برای برقراری مناسبات پایدار سیاسی بین ایران و دانمارک برداشته شد. در پی مذاکرات اولیه سفرای ایران و دانمارک در فرانسه - فرخ خان امین‌الملک و بارون شارل اولیس دیرکینک دو هولم فلد- در ۳ نوامبر ۱۸۵۷/۱۲۷۴ق. عهدنامه مودت و تجارت دو کشور در ۶ فصل تهیه و امضاء شد. در مورد مفاد این معاهده که برای ۱۲ سال اعتبار داشت، چند نکته جای توجه دارد. گذشته از بندهای مربوط به تجارت و گسترش آن، پیش‌بینی تأسیس یک نمایندگی سیاسی در

پایتخت و سه کنسولگری در شهرهای تجاری دیگر در دو کشور مورد توافق قرار گرفته بود. افزون بر این، باید به موضوع روابط "کامله الوداد" اشاره کرد که متضمن حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) برای اتباع دانمارک در خاک ایران می‌شد.^۱

با انعقاد این معاهده، موانع شکلی برقراری مناسبات سیاسی- اقتصادی بین دو کشور برطرف گردید، اما موانع عملی همچنان باقی ماند. در مورد روابط تجاری به همین اشاره بسنده می‌شود که در نیمه دوم قرن ۱۹م. بازرگانی خارجی ایران به نحو فزاینده به انحصار روسیه و بریتانیا در می‌آمد. مطالعات ف. استولز و ف. آندریاس نشان می‌دهد که تا سال ۱۸۸۵م. دانمارک در تجارت خارجی ایران جایگاهی نداشت و از آن پس تا پایان عصر قاجاریه نیز توسعه پیدا نکرد.^۲ با توجه به ساختار اقتصادی دانمارک - یعنی تولیدات کشاورزی و دامی که ایران از بابت آنها بی‌نیاز بود- فقدان روابط بازرگانی بین دو کشور قابل درک است.

در زمینه روابط سیاسی نیز معاهده مودت ۱۸۵۷م. توفیق چندانی نداشت. اگر چه یک سال پس از انعقاد آن، وزرای مختار دو کشور در سن پترزبورگ اکرديته شدند، با این حال، برخلاف مفاد آن معاهده، موضوع روابط مستقیم سیاسی و گماردن وزرای مختار و نیز افتتاح کنسولگری‌های دو دولت برای دهه‌ها در بوته تعویق افتاد. اما این به مفهوم انقطاع

۱. برای متن فارسی و فرانسه عهدنامه ر.ک: "عهدنامه مودت و تجارت ملین ایران و دانمارک در پاریس به تاریخ سوم نوامبر ۱۸۵۷ امضاء شده در هیجدهم اوت" در مؤتمن الملک، مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجه، تهران، ۱۹۰۸، صص ۱۱۵-۱۱۰.

۲. مؤید این نکته گزارش جنرال کنسول ایران در دانمارک در مورد تجارت این کشور در ۱۳۲۱ق. / ۱۹۰۲م. است که در آن اشاره ای به روابط تجاری با ایران به چشم نمی‌خورد، نک: Teilmann, Raport annuel du Denemark pour l'annee 1902.

در آرشیو وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ش باز یافت: ۱۱-۸-۶-۱۳۲۱ق. برای عدم رشد آن در سال‌های بعد، ر.ک. احصائیه تجاری ایران در سال ۱۹۰۴-۱۹۰۳م. که در آن ذکری از بازرگانی با دانمارک به چشم نمی‌خورد، Ministère des Douanes et des Postes de l'Empire de Perse, Statistique Commerciale, 21 Mars 1903- 20 Mars 1904, Tehran, 1904;

برای عدم برقراری روابط تجاری در سال‌های بعد، نک: جمالزاده، گنج شایگان، کاوه، برلین، ۱۳۳۵، ص ۱۹۰ (جدول ۴۶).

تبادل پیام‌های دیپلماتیک و دوستانه بین دو دولت نیست، زیرا به شهادت اسناد موجود، این گونه ارتباط و تماس از طریق نمایندگی‌های سیاسی دولتین در سن پترزبورگ و استانبول صورت می‌گرفت.^۱

آغاز قرن بیستم شروع مرحله‌ای جدید در مناسبات رسمی میان ایران و دانمارک بود. از اوایل همین قرن دولت ایران یک جنرال کنسول بومی به نام تلمان^۲ در کپنهاگ داشت که شاید افتخاراً به سمت مذکور گمارده شده بود. از گزارش‌های تلمان می‌توان دریافت که زیر نظر وزیر مختار ایران در روسیه انجام وظیفه می‌کرد.^۳ با توجه به عدم گسترش روابط تجاری و فقدان شواهد برای سکونت یا مهاجرت ایرانیان به دانمارک، می‌توان حدس زد که نقش تلمان بیشتر تشریفاتی بود تا سیاسی. این جنرال کنسولگری تا دهه ۱۹۳۰م. در کپنهاگ همچنان برقرار بود تا آن که زیمرمان، آخرین مسئول بومی آن، در ۱۹۳۵م. / ۱۳۱۵ش. از کار خود منفصل شد و بدین ترتیب می‌توان حدس زد که ایران برای مدتی نماینده‌ای در دانمارک نداشت. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ۳۰-۴۳-۱۳۱۵ش.)

به هر روی، به نظر می‌رسد رویدادهای انقلاب روسیه (۱۹۰۵م.) که با بی نظمی و مخاطراتی برای اتباع خارجی در آن کشور همراه بود، راه توسعه روابط سیاسی ایران و دانمارک را هموار کرد. بیست خانواده از اتباع دانمارک، سوئد و نروژ در تفلیس (گرجستان) پس از رایزنی با مقامات روسی، کتباً از کنسولگری ایران در آن شهر درخواست کردند که در

۱. به عنوان نمونه مکاتبات مربوط به جلوس احمد شاه، ر.ک. علیقلی ممتازالسلطنه به وزارت امور خارجه، ۱ جمادی الاول ۱۳۲۸ق.، ۲۶-۶-۵۸-۱۳۲۸ق.

2. Teilmann

3. Teilmann, Rapport annuel du Denemark pour l'annee 1902

ضمیمه ش ۱۰-۸-۶-۱۳۲۱ق.

شرایط حاکم بر روسیه و در فقدان کنسولگری دولتهای مذکور در گرجستان، ایران حامی و عهده‌دار امور آنها شود. (همان: ۱۱۵-۵/۱-۷-۱۳۲۴ق.)

این درخواست به سرعت مورد موافقت مظفرالدین شاه قرار گرفت که در باره آن به صدر اعظم نوشت: "این حمایت و سرپرستی عیب ندارد، تأکید کنید مضایقه ندارند." همچنین برای رعایت ضوابط دیپلماتیک، از سوی شاه مقرر گردید که به هزینه دولت دانمارک، پاسپورت و سایر اسناد ایرانی برای متقاضیان مذکور صادر شود (محرم ۱۳۲۴ق./ آوریل ۱۹۰۶) (همان). به نظر می‌رسد که این اقدام انسان‌دوستانه در کنار افزایش تماس دولتی و اتباع دو کشور از جمله ایران‌شناسان دانمارکی از طریق نمایندگی‌های ایران و دانمارک در کشورهای ثالث، تماس‌ها و مکاتبات دیپلماتیک مستقیم بین دو دولت را ضروری‌تر می‌کرد.^۱ مؤید این نکته مفاد استوار نامه اسحاق خان مخم‌الدوله وزیرمختار ایران در سن پترزبورگ است که در محرم ۱۳۳۰/ ژانویه ۱۹۱۱ وزیر مختار اکریدیته در کپنهاگ نیز شد. در استوارنامه او بر علاقمندی ایران برای روابط دوستانه و پایدار با دانمارک تأکید شده است.^۲ ناگفته نماند که کپنهاگ نیز به نوبه خود با استفاده از تمایل

۱. به عنوان نمونه تسلیم دعوتنامه برای حضور نماینده ایران در کنگره خاورشناسان در کپنهاگ که به وسیله کاردار دانمارک در پاریس تسلیم نمایندگی سیاسی ایران در آن شهر شد، ر.ک. مکتوب وزیرمختار ایران به وزارت امور خارجه، ۲۰ شعبان ۱۳۲۵، آ. و. ا. خ، ش بازیافت: ۸-۸-۲۶-۱۳۲۵ق؛ پاسخ پادشاه دانمارک به مکتوب اعلان جلوس محمد علی شاه که از طریق سفارت دانمارک در سن پترزبورگ تسلیم علی قلی خان سفیر ایران در روسیه شد، ر.ک. علی قلی خان به وزارت خارجه، ۱ جمادی الاولی ۱۳۲۸ق، آ. و. ا. خ، ش بازیافت: ۲۶-۶-۵۸-۱۳۲۸ق؛ همو به همان، سلخ رمضان ۱۳۲۹، همانجا، ش بازیافت: ۴۷-۷-۵۸-۱۳۲۹ق. اظهار تمایل دولت دانمارک برای اعزام مستشار به ایران که اریک فدرووویچ کنسول دانمارک در باکو از طریق کنسولگری ایران در آن شهر و نیز جنرال کنسولگری ایران در تفلیس به اطلاع دولت ایران رسید، ر.ک. کنسول ایران در باکو به وزارت امور خارجه، ۷ ذیقعد ۱۳۲۹، همان جا، ش بازیافت: ۶۳-۱۰-۱۲-۱۳۲۹ق و جنرال کنسول ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه، ۱۲ ذیقعد ۱۳۲۹ق، همان جا، ش بازیافت: ۱۱-۵-۱۲-۱۳۲۹ق .

۲. برای سواد متن استوارنامه که به امضای ناصرالملک (نایب السلطنه احمد شاه) به تاریخ ۱۳ محرم ۱۳۳۰ ق است، نک. آ. و. ا. خ، ش بازیافت: ۱۱۴-۵-۵۸-۱۳۳۰ق.

تهران برای گسترش روابط با کشورهای بی‌طرف، مشتاق همکاری با ایران بود. در پی تقاضای شخصی برخی از اتباع دانمارک برای خدمت به دولت ایران،^۱ کنسول دانمارک در بادکوبه طی ملاقاتی با همتای ایرانی خود، با اشاره به استخدام مستشاران نظامی سوئدی برای تأسیس نیروی ژاندارمری در ایران (۱۹۱۱م)، درخواست کرد که آمادگی کپنهاگ برای اعزام مستشار نظامی، مهندس و سایر متخصصین دانمارکی را به تهران ابلاغ کند (۳۰ اکتبر ۱۹۱۱). (همان: ۶۳-۱۰-۱۲-۱۳۲۹ق). برای دولت ایران که در همان زمان با مشکل مخالفت و اولتیماتوم روسیه در مورد اقدامات قانونی مستشار آمریکایی مورگان شوستر، رئیس خزانه‌داری کل ایران و کارشکنی‌های آن دولت در راه انجام وظیفه ژاندارمری مواجه بود، پیشنهاد استخدام اتباع دانمارک نمی‌توانست جذابیتی داشته باشد.

وقوع جنگ جهانی اول، ایران را که به رغم بی‌طرفی، عرصه تجاوز نظامی و اشغالگری نیروهای روسیه و بریتانیا و نیز صحنه جنگ نیروهای متخاصم خارجی شده بود، مجبور به تغییر اهداف سیاست خارجی خود کرد و حفظ تمامیت ارضی کشور و خروج نیروهای خارجی، اولویت سیاست خارجی دولت گردید. این در حالی بود که دانمارک نیز با وجود بهره‌گیری اقتصادی از بی‌طرفی در جنگ، اولویت‌های خود را در سیاست خارجی داشت. بدین ترتیب موضوع گسترش مناسبات سیاسی ایران و دانمارک یک چند در محاق قرار گرفت.

برای فعالیت نمایندگی سیاسی ایران در سن پترزبورگ که مسئولیت روابط دیپلماتیک با دانمارک را نیز به عهده داشت، وقوع انقلاب بلشویکی و پیامدهای آن در روسیه (۱۹۱۷م) با مشکلات و محدودیت‌هایی همراه بود، بویژه آنکه دولت ایران تا سال

۱. به عنوان نمونه نک. تقاضانامه استخدام هاکن کریستن سن پزشک دانمارکی (۱۹۰۷م)، آ. و.خ. ا. ش باز یافت: ۱۰۷-۴-۹-۱۳۲۵ق.

۱۹۲۱م. از شناسایی دولت بلشویکی اجتناب می‌ورزید. در شرایط مذکور موضوع ارتباط دیپلماتیک ایران و دانمارک از طریق نمایندگی‌هایشان در سن پترزبورگ دشوار گردید. از سوی دیگر برای تهران، با توجه به سیاست و مداخلات پس از جنگ بریتانیا (شامل استفاده از خاک ایران علیه بلشویک‌ها، ممانعت از طرح دعاوی ایران در کنفرانس صلح و امضای توافقنامه ۱۹۱۹م. با وثوق الدوله) افزایش فعالیت دیپلماتیک برای جلب حمایت دولت‌های غربی حیاتی‌تر شده بود. در چنین بستری شواهدی چند بر تمایل ایران به گسترش روابط دیپلماتیک با دانمارک در دست است. به عنوان نمونه می‌توان به اعطای نشان درجه اول شیر و خورشید و حمایل از سوی احمدشاه آخرین حکمران قاجاریه اشاره کرد که در سفر اروپا، به مسیو واندل وزیرمختار دانمارک در استانبول اعطاء شد (۲۶ محرم ۱۳۳۸ / ۲۲ اکتبر ۱۹۱۹).^۱ همچنین با توجه به اوضاع روسیه و در پی افتتاح نمایندگی سیاسی ایران در سوئد (جمادی الاول ۱۳۳۸ / ژانویه ۱۹۲۰)، مسئولیت مناسبات با کپنهاگ به وزیرمختار ایران در استکهلم محول شد که سفیر آکردیته در دانمارک نیز گردید. در همان سال تلاش جدیدی از سوی وزیرمختار ایران در لندن برای جلب موافقت وزارت امور خارجه دانمارک با انتصاب اسد خان یمین خاقان (از اعضای نمایندگی سیاسی ایران در دانمارک) به کارداری ایران در کپنهاگ به عمل آمد (همان: ۵۰ و ۱۴ و ۱۲ - ۱۳ - ۱۳ - ۱۳۳۸ ق.). به هر روی، سقوط قاجاریه (۱۳۰۴ ش. / ۱۹۲۵ م.) مانع از آن گردید که تغییرات اخیر موجب تحولی در مناسبات بین دو کشور شود.

عصر پهلوی سرآغاز گشایش در روابط ایران و دانمارک بود، هر چند که تلاش اولیه برای فعالیت شرکت‌های دانمارکی در ایران موفقیتی به همراه نداشت. در سال

۱. برای رونوشت فرمان مربوط به نشان، ر.ک. آرشیوو. ا. خ. ش بازیافت: ۴-۷-۵۸-۱۳۳۸ ق.

۱۳۰۵ش. از سوی شرکتی موسوم به "شرکت متفقه حمل و نقل تجارتي دانمارکی" پیشنهاد تأسیس خط اتوبوسرانی در تهران و شمیران تسلیم دولت ایران شد. این پیشنهاد با توجه به گسترش شهر تهران و مشکلات رفت و آمد در آن تا بدانجا مورد توجه دولت ایران قرار گرفت که در لایحه‌ای موضوع اجازه انعقاد قرارداد با این شرکت را تقدیم مجلس شورای ملی کرد. مهمترین درخواست شرکت دانمارکی این بود که در صورت تصمیم دولت ایران برای دادن انحصار اتوبوسرانی پایتخت، شرکت مذکور اولویت داشته باشد (ماده هشتم قرارداد). (ایران، ش. ۲۲۲۸، ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵). اگر چه متن قرارداد پیشنهادی پس از چند جلسه بحث و اعمال تغییراتی جزئی به تصویب مجلس شورای ملی رسید (۲۲ دی ماه ۱۳۰۵)، اما معلوم نیست که از چه روی اجرایی نشد.^۱ به گفته بامداد (نماینده مجلس ششم)، از سوی شرکت متفقه حمل و نقل تجارتي دانمارکی پس از ائتلاف وقت دولت و مجلس ایران، برای عقد قرارداد و اجرای آن اقدامی به عمل نیامد (۲۸ تیر ۱۳۰۷). (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ششم تقنینیه، جلسه ۲۶۶ و ۲۱۵)

با وجود عدم موفقیت تلاش پیش‌گفته، دیری نپایید که مناسبات ایران و دانمارک دستخوش تحولی اساسی گردید و روابط بین دو کشور آغاز شد. در فرآیند روابط خارجی ایران، برقراری مناسبات با دانمارک حاصل رویکردی جدید در سیاست خارجی تهران بود که بیش از یک قرن ارتباط با کشورهای اروپا را تجربه کرده بود. در طول این مدت، ایران در حالی عرصه توسعه‌طلبی، رقابت و مداخلات قدرتهای بزرگ و استعماری

۱. برای بحث و تغییرات قرارداد در مجلس، ر.ک. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ششم تقنینیه، جلسات ۵۴ و ۴۱ و ۳۲ سال ۱۳۰۵ش.

بریتانیا و روسیه شده بود که تلاش‌هایش برای حفظ استقلال و توسعه با موانع متعدد از سوی همان قدرت‌ها مواجه می‌گشت. تا دهه ۱۳۱۰ شمسی / ۱۹۳۰ میلادی عملاً هیچ یک از استراتژی‌های هم‌پیمانی با قدرت‌های بزرگ (بریتانیا، فرانسه و مجدداً بریتانیا)، درهای بسته، از دهه ۱۸۸۰ سیاست درهای باز و موازنه مثبت (در مناسبات با بریتانیا و روسیه) و سرانجام کوشش برای وارد کردن قدرت سوم (ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۲۰ میلادی و سپس آلمان در دهه ۱۹۳۰ میلادی) به عرصه ایران نه تنها نتوانسته بود به جلوگیری از مداخله بریتانیا و روسیه / شوروی در امور داخلی کشور و نیز حل معضل عدم توسعه منابع مادی و انسانی ایران کمک کند، بلکه اتخاذ هر یک از این راهبردها به نوبه خود موجب مشکلاتی جدید در امور داخلی و خارجی کشور می‌گشت. از همین روی زمان آن فرا رسیده بود که بر اساس تجربه پیشین، رویکردی جدید اما واقع‌گرایانه در سیاست خارجی کشور اختیار شود تا شاید از این طریق فرصت‌هایی برای حل معضل عدم توسعه به دست آید.

تصمیم ایران برای اتخاذ این رویکرد جدید خود مبتنی بر تجربه همکاری با قدرت‌های درجه دوم اروپا بود. در واقع آغاز چنین همکاری که سابقه‌ای طولانی نداشت، به ابتدای قرن بیستم و زمانی باز می‌گشت که دولت ایران با استخدام مستشاران بلژیکی برای ساماندهی تشکیلات گمرکات و مالیه کشور و سپس افسران سوئدی برای تشکیل نیروی ژاندارمری (۱۹۱۱ م.) راهبرد تعامل با قدرت‌های درجه دوم اروپایی را پیش گرفته بود. در این زمینه قابل ذکر است که نیروی ژاندارمری، برخلاف بریگاد روس بنیاد قزاق و نیروی انگلیس بنیاد پلیس جنوب ایران، با عملکرد مثبت خود، موجب خوشنامی سوئد و

مردم اسکاندیناوی در اذهان ملیون ایران شده بود.^۱ با چنین پیشینه‌ای بود که در عصر پهلوی اول، هنگامی که سندیکای آمریکایی - آلمانی احداث خط آهن سراسری ایران در انجام تعهدات خود ناتوان از آب درآمد، راه برای برقراری مناسبات فنی، سیاسی و اقتصادی با دانمارک هموار شد که دارای این ویژگی‌ها بود:

۱- دانمارک سابقه توسعه‌طلبی در ایران نداشت. افزون بر این، همان‌گونه که اشاره شد، به رغم فقدان مناسبات سیاسی مستقیم، روابط و همکاری انسان‌دوستانه و فرهنگی بین ایران و دانمارک از پیش موجود بود.

۲- دانمارک در شمار قدرت‌های بزرگ غربی قرار نداشت که مناسبات سیاسی یا حضور اقتصادی - فنی‌اش در ایران با مخالفت و کارشکنی قدرت‌های بزرگ و رقیب - بریتانیا و شوروی - مواجه شود، زیرا چنان که اشاره گردید، این دو دولت به سبب قائل شدن منافع خاص برای خود، از ابتدای قرن ۱۹ میلادی به یکی از موانع عمده پیشرفت ایران تبدیل شده بودند.

۳- دانمارک در جنگ جهانی اول موفق شده بود که با اتخاذ موفقیت‌آمیز سیاست بی‌طرفی، ضمن حفظ ثبات داخلی و تمامیت ارضی خود، در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی از اعتبار لازم برخوردار شود.^۲

۴- آن کشور از درجاتی از توسعه و فن‌آوری برخوردار بود که بتواند بخشی از نیازهای فنی و اقتصادی ایران را برآورده سازد.

۱. برای نقش افسران سوئدی در تأسیس ژاندارمری و نیز همسویی فعالیت این نیرو با خواست ملیون ایران، ر. ک. S. Cronin, "An Experiment in Military Modernization: Constitutionalism, Political Reform and the Iranian Gendarmerie, 1910-21, Middle Eastern Studies, Vol. 32: 3 (1996), pp. 106-138.

2. I. Henriksen, "An Economic History of Denmark," in EH.net

رویکرد تعامل با قدرتهای درجه دوم اروپایی برای توسعه، هنگامی سرآغاز روابط بین ایران و دانمارک گردید که پیشرفت مذاکرات دولت ایران با شرکت دانمارکی کامپ ساکس به منظور ساخت خط آهن سراسری ایران نتایج بدین قرار را در ۱۳۱۳-۱۳۱۲ش.^۱ / ۱۹۳۳-۱۹۳۴ م. به بار آورد:

الف) امضای قرارداد ساخت بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر خط آهن مسیر بندر شاه (بندرگز در ساحل دریای مازندران)- بندر شاهپور (بندر امام خمینی در ساحل خلیج فارس) به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار به مدت ۶ سال با کامپ ساکس (آوریل ۱۹۳۳). بدین ترتیب این شرکت دانمارکی جانشین کنسرسیوم پیش گفته آمریکایی-آلمانی^۱ شد که در انجام تعهدات خود برای ساخت خط آهن مذکور شکست خورده بود.^۲ در باره قرارداد کامپ ساکس باید توجه داشت که تا آن زمان هیچ‌گاه اجرای پروژه‌ای با چنین اهمیت و مبلغ از سوی ایران به شرکتی متعلق به قدرتهای درجه دوم غربی محول نشده بود.

ب) افتتاح نخستین نمایندگی سیاسی دانمارک در تهران به وسیله اوو انگل^۳ در ۱۳۱۳ش. / ۱۹۳۴ م. در حالی که وزیرمختار ایران در سوئد سفیر آکر دیته در دانمارک گردید.

ج) انعقاد عهدنامه «مودت و اقامت و تجارت» در ۱ اسفند ۱۳۱۲ / ۲۰ فوریه ۱۹۳۴.^۴ در مورد روابط تجاری دانمارک با ایران اشاره به این نکته ضرورت دارد که تا آن

۱. تشکیل‌دهندگان کنسرسیوم عبارت بودند از شرکت آمریکایی Ulen & Co (مسئول ساخت خط آهن در جنوب) و شرکت‌های آلمانی سازنده بخش شمالی: Siemens Bahn و Julius Bergerand, Philip Holtzman.

۲. برای فرآیند ورود کامپ ساکس به طرح احداث خط آهن سراسری ایران و ویژگی‌های این خط، ر.ک. به عنوان نمونه به S. Lemańczyk, "The Transiranian Railway – History, Context and Consequences", Middle Eastern Studies, 49:2 (2013), pp. 240ff.

3. Ove Engell

۴. برای متن معاهده ر.ک. آرشیو و.ا.خ.ش. بازیافت: ۱۶-۱۵-۱۳۱۳ش؛ این معاهده در ۲۰ دی ۱۳۱۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید، نک. مشروح مذاکرات مجلس، دوره نهم، تقنینیه، جلسه ۱۱۸.

زمان مناسبات بازرگانی بین دو کشور وجود نداشت (نک. جدول روابط بازرگانی ایران - دانمارک)؛ از همین روی دانمارک که در نتیجه سیاست پولی خود بهای سنگین سود اقتصادی ناشی از بی طرفی در جنگ جهانی اول را به شکل تورم شدید و در نتیجه ناتوانی در رقابت تجاری می‌پرداخت، برقراری روابط بازرگانی با ایران می‌توانست کمکی برای حل مشکلات اقتصادی کپنهاگ باشد.^۱

بدین ترتیب خواست و عزم ایران و دانمارک برای تعامل بر اساس منافع ملی، افق روشن و دلگرم‌کننده‌ای را در زمینه‌های سیاسی، فناوری و اقتصادی پدید آورد که گذشت زمان تحقق آن را اثبات کرد. موفقیت شایان توجه کامپ ساکس در اتمام پروژه خط آهن سراسری ۶ ماه پیش از موعد مقرر (در آگوست ۱۹۳۸ رسماً افتتاح گردید)، توانایی شرکت‌های دانمارکی را برای اجرای طرح‌های بزرگتر آشکار ساخت. در زمینه بازرگانی، معاهده ۱۹۳۴م. به برقراری روابط تجاری بین دو کشور منجر شد. بدین ترتیب در طی ۶ سال، یعنی تا آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۴۰م.)، صادرات سالانه دانمارک به ایران از صفر به حدود یک میلیون کرون افزایش یافت (نک. جدول روابط بازرگانی ایران - دانمارک).^۲

۱. برای آشنایی با تورم و مشکلات اقتصادی دانمارک در سال‌های پس از جنگ جهانی اول ر.ک. به

K. Abildgren, "Consumer prices in Denmark 1502-2007, *Scandinavian Economic History Review*, 58-1(2010), pp. 11-13 (Figures 2, 3, and Tables 5, 6); I. Henriksen, "An Economic History of Denmark," in EH.net;

برای مشکلات و سیاست پولی دانمارک در سال‌های بین دو جنگ جهانی، نک.

T. Straumann, *Fixed ideas of money: small states and exchange rate regimes in twentieth century Europe*, Cambridge University Press, Cambridge, 2010, part I, passim;

برای اوضاع اقتصادی دانمارک پس از جنگ جهانی اول، همچنین ر.ک.

K. G. Hildebrand, "Labour and Capital in the Scandinavian Countries in the Nineteenth and Twentieth Centuries" *The Cambridge Economic History*, vol. 7 (part 1), eds. P. Mathias and M. M. Postan, Cambridge University Press, Cambridge, 1978, pp. 615 ff.; Niel-Henrik Topp, "Unemployment and Economic Policy in Denmark in the 1930s," *Scandinavian Economic History Review*, 56-1(2008), p. 73.

۲. همچنین نک. ترجمه مقاله کنت هوتفلد - ویتفلد سفیر دانمارک در ایران در مجله وزارت امور خارجه، می ۱۹۶۳ در آرشیو. و. ا. خ.، ش بازافت: ۵-۱۳۴۲ش.

این در حالی بود که به سبب فعالیت‌های یاد شده و نیز افزایش مکاتبات و تماس‌های مقامات دو کشور، افتتاح نمایندگی سیاسی ایران در کپنهاگ ضرورت می‌یافت. بدین ترتیب تعامل ایران و دانمارک صحت و موفقیت رویکرد جدید تهران را در همکاری با قدرت‌های درجه دوم اروپا ثابت کرد.

گسترش روابط ایران و دانمارک موفقیتی ناپایدار بود و خیلی زود تحت تأثیر رقابت، اقدامات و تخاصم قدرت‌های بزرگ قرار گرفت که به شکل جنگ جهانی دوم دنیا را دستخوش نتایج فاجعه آمیز خود کرد. اهداف جاه‌طلبانه آلمان نازی برای استمرار واردات سنگ آهن از سوئد و نیز راهبرد نظامی برای حفظ بالتیک و عملیات علیه بریتانیا که مستلزم نیروی نیز بود، به اشغال بدون درگیری نظامی دانمارک بی‌طرف به وسیله ارتش آلمان در ۲۰ فروردین ۱۳۱۹ / ۹ آوریل ۱۹۴۰ منجر شد که تا ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۴ / ۵ مه ۱۹۴۵ ادامه یافت.^۱ این در حالی بود که به دلایلی مشابه، ایران نیز با وجود بی‌طرفی در جنگ، مورد تجاوز نیروی نظامی مشترک بریتانیا- شوروی قرار گرفت و بدون خونریزی به اشغال متجاوزین درآمد. وینستون چرچیل از حفظ حوزه نفتی شرکت ایران و انگلیس، جلوگیری از تشکیل جبهه ای جدید در خاک ایران علیه شوروی و حفظ هندوستان از یک سوی، و انتقال تدارکات و تجهیزات نظامی آمریکایی از طریق ایران به شوروی از سوی دیگر، به عنوان دلایل این تجاوز آشکار و اشغال یاد کرده است.^۲

۱. آلمان با وجود انعقاد معاهده عدم تجاوز با دانمارک (۳۱ می ۱۹۳۹) در نهایت با انگیزه‌های فوق‌الذکر به اشغال این کشور بی‌طرف مبادرت ورزید، ر.ک.

J. Hiden and T. Lane, *The Baltic and the Outbreak of the Second World War*, Cambridge University Press, Cambridge, 2002, pp. 23-24, 59; Sir B. Liddell Hart, "The Second World War," in *The New Cambridge Modern History*, vol. 12, ed. C. L. Mowat, Cambridge University Press, London, 1968, pp. 747-749.

2. Sir W. Churchill, *The Second World War*, Vol. III (The Grand Alliance), Houghton Mifflin Co., Boston, 1986, pp. 423 ff.;

شاید ذکر این نکته به جا باشد که پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که احتمال تشکیل جبهه‌ای در خاک ایران علیه شوروی یک دعوی غیرمستند است.^۱ در واقع موقعیت جغرافیایی و استفاده از خط آهن ساخت کامپ ساکس برای انتقال تجهیزات نظامی به شوروی نقشی چشمگیر در اشغال ایران داشت، بویژه آنکه خلیج فارس و ایران نزدیک‌ترین و امن‌ترین مسیر برای این مهم بود.^۲

به هر روی، همان‌گونه که آلمان در پاسخ به تسلیم شدن دانمارک پذیرفته بود که با آن به عنوان کشوری مستقل رفتار کند و پادشاه و دولت آلمان در امور داخلی استقلال داشته باشد،^۳ بریتانیا و شوروی نیز با کناره‌گیری اجباری و تبعید رضا شاه (۱۶ سپتامبر ۱۹۴۱)، پسرش محمد رضا شاه و دولتی را بر ایران حاکم کردند که ضمن ادامه بی‌طرفی خود، در امور داخلی استقلال نسبی داشت.^۴ (Churchill, 1986:432)

از منظر روابط دوجانبه ایران و دانمارک، وقوع جنگ جهانی سرآغاز یک تحول بود. با وجود سابقه فعالیت اتباع و شرکت‌های دانمارکی در عرصه اقتصاد و نیز افزایش مکاتبات

برای دعاوی مشابه منابع غربی و شوروی ر.ک.

F. Eshraghi, "Anglo-Soviet Occupation of Iran in August 1941", *Middle Eastern Studies*, 20: 1 (1984), pp. 27-52.

۱. برای بررسی نقادانه دعاوی منابع نویسندگان شوروی و بریتانیایی و غیرمستند بودن آنها، ر.ک.

N. A. Kozhanov (2012) "The Pretexts and Reasons for the Allied Invasion of Iran in 1941", *Iranian Studies*, 45:4(2012), pp. 479-497.

۲. برای گزارشی مشروح و رسمی در استفاده متفقین از ایران و خط آهن آن برای انتقال تجهیزات آمریکایی به شوروی، ر.ک. T. H. Vail Motter, *The Persian Corridor and Aid to Russia*, Washington, D.C., 1952; also see A. Grajdanzev, "Supply Routes to the Soviet Union", *Far Eastern Survey*, 11:5 (1942), pp. 64-65; E. M. Wright, "Iran as a Gateway to Russia", *Foreign Affairs*, 20: 2 (1942), pp. 367-371; K. G., "Allied Supply Routes to S.E. Russia", *Bulletin of International News*, 19: 6 (1942), pp. 223-227.

Patrick Clawson, "Knitting Iran Together: The Land Transport Revolution, 1920-1940," *Iranian Studies*, 26-no. 3-4 (1993), p. 241.

3. K. Gram-Skjoldager, "The Law of the Jungle? Denmark's International Legal Status during the Second World War," *The International History Review*, 33-2(2011), pp. 236-237.

۴. برای جزئیات اقدامات و خواست‌های بریتانیا- شوروی و توافقات آنها با دولت ایران، ر.ک.

F. Eshraqi, "The Immediate Aftermath of Anglo-Soviet Occupation of Iran in August 1941", F. Eshraghi, *Middle Eastern Studies*, 20: 3 (1984), pp. 324-351

و تماس‌های مقامات دو کشور تا آن زمان، پیش از هر اقدامی از سوی ایران برای افتتاح نمایندگی سیاسی در کپنهاگ، اشغال دو کشور به وسیله قدرت‌های درگیر در جنگ جهانی دوم نه تنها ادامه مناسبات فنی و بازرگانی ایران و دانمارک را عملاً منتفی کرده بود، بلکه به قطع موقت روابط دیپلماتیک تهران- کپنهاگ منجر گردید (۱۹۴۲ م). در مورد این قطع روابط که تاکنون مغفول مانده است، پرونده‌ای جالب توجه در آرشیو وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که می‌تواند به روشن شدن این رویداد ضمنی در جنگ جهانی دوم کمک کند. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ۶۱- ۶۶- ۱۳۲۲ ش). بنا بر اسناد این پرونده، در ۲۵ اکتبر ۱۹۴۱ امانوئل فنسمارک^۱ (کاردار دانمارک در تهران از ۱۹۳۹ م)، در یادداشتی رسمی، سهیلی (وزیر امور خارجه وقت ایران) را آگاه کرد که با توجه به حضور نیروی اشغالگر آلمان در دانمارک و عدم آزادی پادشاه و دولت آن کشور در اجرای وظایف خود، مصمم شده بود که روابطش با دولت موجود در دانمارک را قطع کند. از این روی تقاضا داشت که دولت ایران با ادامه فعالیتش به عنوان نماینده دولت پیش از اشغال دانمارک (دولت دانمارک آزاد) و حافظ منافع آن در تهران موافقت کند. به بیان دیگر، فنسمارک پس از ۱۶ ماه نمایندگی برای دولت دانمارک اشغال شده، از دولت ایران که همانند آن دولت با قدرت نظامی خارجی بر سر کار آمده بود، می‌خواست که ضمن قطع روابط با دولت موجود در کپنهاگ، ارتباط با دولت دانمارک آزاد مستقر در بریتانیا را از سر گیرد که دیگر جایگاهی در خاک دانمارک نداشت. بدین ترتیب فنسمارک متقاضی اقدامی غیرمتعارف از سوی تهران بود که فی نفسه مشروعیت هر دو دولت وقت دانمارک و ایران را به یک اندازه زیر سؤال می‌برد!

1. Emmanuel Carl Constantine Fensmark

تقاضای فنسمارک سرآغاز نخستین چالش جدی در روابط سیاسی تهران-کپنهاگ بود، بویژه آنکه از سوی مأموران روسیه و بریتانیا در ایران نیز پشتیبانی می‌شد. به گفته وزیر امور خارجه ایران، احتمالاً همان مأموران، خود مشوق فنسمارک در اقدام به قطع ارتباط با کپنهاگ و طرح تقاضایش نزد دولت ایران بودند. بدیهی است که پاسخ مثبت به این درخواست غیرمتعارف متضمن عدم شناسایی دولت موجود در دانمارک، عدم پذیرش نماینده سیاسی آن دولت در تهران و در نتیجه قطع روابط سیاسی دولتین بود.^۱ ناگفته نماند که در زمان تسلیم تقاضای فنسمارک، دولت آلمان به هیچ وجه دست پایین را در جنگ نداشت و هنوز تا قطعی شدن نتیجه جنگ راهی دراز در پیش بود. از سوی دیگر، پذیرش درخواست فنسمارک، به وجاهت دولت مقبول متفقین در ایران در داخل خود کشور هم لطمه می‌زد.

به هر روی، موضوع یادداشت فنسمارک و پاسخ آن در هیئت وزیران ایران مطرح گردید که برای پذیرش آن از سوی مأموران بریتانیا و شوروی تحت فشار قرار بود. در شرایط موجود، دولت ایران سرانجام راه حل را در این پاسخ شفاهی به فنسمارک یافت که در صورت تمایل دولت دانمارک برای اعزام کارداری جدید، تهران از پذیرش او خودداری خواهد کرد. این در حالی بود که فنسمارک بیهوده بر دریافت پاسخ کتبی پافشاری می‌کرد. سرانجام فنسمارک در یادداشتی دیگر به اطلاع وزیر امور خارجه ایران رساند که در ۱۴ نوامبر ۱۹۴۱ کپنهاگ را از متن یادداشت ۲۵ اکتبر ۱۹۴۱ و همچنین پاسخ شفاهی و مثبت دولت ایران به این تقاضا آگاه کرده بود (۱۶ نوامبر ۱۹۴۱).

۱. برای بحثی جالب در مورد وضع دانمارک اشغالی از منظر حقوق بین الملل که می‌تواند شامل حال ایران اشغالی نیز بشود، ر.ک. Gram-Skjoldager, pp. 239ff.

اطلاع کپنهاگ از رویدادهای اخیر در تهران، واکنش وزارت امور خارجه دانمارک را به دنبال داشت که از طریق وزیرمختار ایران در استکهلم به دولت ایران منتقل می‌شد. پاسخ وزیر امور خارجه دانمارک به تصمیم تهران برای عدم پذیرش نماینده دولت متبوعش، ابراز تأسف از این تصمیم و محفوظ نگاه داشتن حق تعیین جانشین برای فنسمارک و احضار او به کپنهاگ بود (دولت ایران در ۲ آذر ۱۳۲۰ / ۲۱ نوامبر ۱۹۴۱ از این پاسخ آگاه شد). در پاسخ، سهیلی از طریق سفارت ایران در استکهلم از همتای دانمارکی خود درخواست کرد که با توجه به شرایط و جلوگیری از مشکلات بیشتر برای ایران، از اعزام نماینده‌ای جدید به تهران خودداری کند. پیامد مذاکرات وزیر مختار ایران در استکهلم با مقامات دانمارکی در مورد تحولات یاد شده، مکتوبی از وزیر امور خارجه دانمارک بود که در آن آمده است:

«دولت دانمارک به وضعیت کنونی دولت شاهنشاهی [ایران] پی برده و فعلاً از اعزام نماینده به جای آقای فنسمارک صرف نظر می‌نماید، ولی اصولاً حق تجدید نظر را در این قسمت برای خود محفوظ می‌دارد.» (همان)

با این مکتوب که بر درک صحیح وزارت امور خارجه دانمارک از تنگناها و شرایط حاکم بر ایران دلالت دارد، روابط سیاسی دوستانه ایران و دانمارک قطع گردید.^۱ به هر روی، اشغال دو کشور و تحولات اخیر، روابط بازرگانی بین ایران و دانمارک را تحت تأثیر خود قرار داد و موجبات توقف آن را فراهم آورد (نک. جدول روابط بازرگانی ایران - دانمارک).

۱. برای گزارشی موجز از این قطع روابط بدون ذکر نقش متفقین، ر.ک.

Intelligence Summary No. 28 for the Period Nov. 19-30, 1941, secret, encl. in R. Bullard to Eden, Dec. 16, 1941 in Iran: Political Diaries, vol. 11, ed. R. M. Burrell, Archive Edition, London, 1977, p. 419.

خاتمه جنگ جهانی دوم راه را برای از سرگیری و گسترش مناسبات سیاسی دو کشور هموار کرد. در ۱۳۳۶ش. / ۱۹۵۷م. فضل الله نبیل سفیر ایران در استکهلم، تهران را از پیشنهاد دانمارک برای ارتقای نمایندگی سیاسی اش در تهران به سطح سفارت آگاه کرد که مورد موافقت دولت ایران قرار گرفت؛ بدین ترتیب کنت مولتکه هوتفلد- ویتفلد^۱ نخستین سفیر دانمارک در تهران شد. (آرشیو وزارت امور خارجه ۲۴ - ۴۳ - ۱۳۳۶ش.) به زودی در همان سال کنت هوتفلد- ویتفلد پیشنهاد خود را مبنی بر گماردن ادموند بییر پدربین^۲ دانمارکی (رئیس دانمارکی مؤسسه آمریکایی ایسترن کورپوریشن^۳ در خرمشهر)، به منصب کنسول افتخاری دانمارک در همان شهر تسلیم وزارت امور خارجه ایران کرد. (همان: ۹ - ۵۵ - ۴۳ - ۱۳۳۶ش.)

تأسیس نمایندگی سیاسی ایران در کپنهاگ با تأخیر همراه بود. در پی سفر رسمی محمد رضا شاه پهلوی به دانمارک، سفارت ایران در آن شهر گشایش یافت (اول اسفند ۱۳۳۸) و علی اصغر ناصر اولین سفیر ایران در کپنهاگ گردید. (همان ۶۴ - ۴ - ۵۰ - ۱۳۳۸ش.) به گفته مشفق کاظمی (دومین سفیر ایران در کپنهاگ)، احساس خطر مشترک از جانب شوروی راه را برای مفاهمه و همکاری سیاسی بین ایران و دانمارک هموار کرده بود (۱۳۴۱ش. / ۱۹۶۲م.). (همان ۲ - ۲۸ - ۴ - ۵۰ - ۱۳۳۸ش.) به زودی ایران میزبان خاندان سلطنتی دانمارک شد که به استحکام روابط بین دو کشور کمک کرد (۱۳۴۲ش. / ۱۹۶۳م.). در خلال این مدت موافقتنامه هوایی ایران و دانمارک در زمینه حمل و نقل در ۱۳۲۹ش. منعقد گردید. (همان ۳۹ - ۱۱ - ۱۳۲۹ش.) با این موافقتنامه راه برای

1. Conte Adam Moltke-Huitfeldt

2. E. Beyer Pedersen

3. Eastern Corporation

فعالیت شرکت هواپیمایی SAS^۱ هموار شد که از ۱۹۵۵م. پروازهایی را به تهران و آبادان برقرار کرد. در زمینه ترابری، همچنین از همان دهه شرکت کشتیرانی دانمارکی اس. پی. مولر^۲ بین بنادر ایرانی خلیج فارس و خاور دور فعال بود.^۳ در پی این گسترش مناسبات که پیشنهاد لغو روادید متقابل از سوی ایران مورد موافقت وزارت امور خارجه دانمارک قرار گرفت (۱۳۴۶ش./۱۹۶۷م.).^۴ بدین ترتیب مناسبات سیاسی دوستانه بین دو کشور برقرار گردید که تا پایان عصر پهلوی (۱۳۵۷ش./۱۹۷۹م.) ادامه داشت.

شاید مناسب باشد در اینجا به تحول دیدگاه ایران از مناسبات دوستانه با دانمارک اشاره شود که به استفاده ابزاری و تبلیغاتی از آن باز می‌گردد. در این رابطه باید از انتصاب مهرانگیز دولتشاهی، نخستین سفیر زن ایرانی به سفارت ایران در کپنهاگ در ۱۳۵۴ش. یاد کرد که تا پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ش. در مقام خود باقی ماند. انتخاب دانمارک برای انتصاب یک سفیر زن که می‌توانست تلاشی از سوی رژیم محمد رضا شاه برای تبلیغات برون مرزی در زمینه تحولات اجتماعی- فرهنگی ایران در عصر پهلوی باشد، با فضای فرهنگی دانمارک و نیز اهمیت ثانوی آن کشور در سیاست خارجی شاه بی‌ارتباط نبود.

تحولات یاد شده در مناسبات دیپلماتیک با روابط دو کشور در سایر زمینه‌ها توازن نداشت. اگر چه موفقیت شایان توجه شرکت کامپ ساکس در اتمام پروژه خط آهن سراسری ۶ ماه پیش از موعد مقرر (۲۷ مرداد ۱۳۱۷) ضمن نشان دادن توانایی شرکت‌های

1. Scandinavian Airlines System

2. S. P. Muller

۳. ویتفلد، ۱۹۶۳.

۴. ترجمه نامه کاردار ایران به وزیر امور خارجه دانمارک در باره لغو روادید، ۲۳ ژوئن ۱۹۶۷ و ترجمه مکتوب وزیر امور خارجه دانمارک، ۲۳ ژوئن ۱۹۶۷، هر دو در آرشیو. و. ا. خ. ش. بازیافت: ۲۶۸-۸۹/۲-۱۳۴۶ش.

دانمارکی، می‌توانست راهگشای گسترش مناسبات در زمینه‌های فنی، اقتصادی و تجاری باشد، بویژه آنکه همکاری دانمارک نمی‌توانست موجب واکنش قدرت‌های بزرگ گردد، اما در عمل چنین انتظاری برآورده نشد. فعالیت کامپ ساکس ابتدا یک چند تحت الشعاع جنگ جهانی دوم قرار گرفت و پس از آن نیز عهده‌دار پروژه‌هایی از قبیل ساخت اسکله و بارانداز در چند بندر در جنوب ایران و احداث راه شوسه شد.^۱ در دهه‌های بعد نیز تعدادی از شرکت‌های دانمارکی در ساخت ابنیه^۲ و سپس صنایع گاز، شیر، لبنیات و سیمان ایران فعالیت کردند که اهمیت هیچ یک از آنها با طرح خط آهن سراسری قابل مقایسه نبود.

در زمینه بازرگانی نیز معاهده ۱۹۳۴م. به رغم برقرار کردن تجارت بین ایران و دانمارک نتوانست جهش لازم و متوازن را در روابط بازرگانی دو کشور ایجاد کند. چنان که پیش‌تر اشاره شد، تا آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۴۰م.) صادرات دانمارک به ایران سالانه از یک میلیون کرون تجاوز نمی‌کرد. پایان جنگ با تلاش مجدد برای توسعه بازرگانی بین دو کشور همراه بود. در این رابطه باید از یک بازرگان دانمارکی به نام پل آکسل^۳ یاد کرد که با حمایت اعتباری بانک هاندوارکر^۴ در کپنهاگ، موفق به تأسیس «شرکت ایران و دانمارک» شد. این شرکت در زمینه صدور خشکبار از ایران به دانمارک فعالیت داشت (۱۳۲۵ش./۱۹۴۶م.).^۵ شرکت مذکور موفق به امضای یک توافقنامه

۱. مشفق کاظمی، ترجمه مقاله روزنامه هلسینگوردگ، ۱۳۴۰/۱۱/۱۲ش، آرشیو. و. ا. خ.، ش بازیافت: ۱۰۹-۳۷-۱۳۴۰ش.
 ۲. همو به وزارت خارجه، ۱۳۴۰/۱۱/۱۳، آرشیو. و. ا. خ.، ش بازیافت: ۱۰۹-۳۷-۱۳۴۰ش (در این گزارش افزون بر ساخت ابنیه مختلف برای بانک ملی، از شرکت دانمارکی توسن یاد می‌شود که از طرف ایالات متحده آمریکا مأمور ساخت سربازخانه در ایران شده بود).

3. Paul Axel

4. Handwerker Banken

۵. برای اسناد مربوط به پل آکسل و شرکت ایران و دانمارک در ۱۳۲۵-۱۳۲۷ش، ر.ک. آرشیو. و. ا. خ.، ش بازیافت: ۲۷۱-۱۷/۳-۱۳۲۵ش و ۲۶۶-۷/۲-۱۳۲۷ش.

تجاری با دولت ایران نیز شد که در آن بر مبادله پایاپای کالاهای ایرانی و دانمارکی تصریح شده بود (۱۳۲۷ش./۱۹۴۷م.).^۱ به گفته آکسل، در همان زمان تعداد دیگری از بازرگانان دانمارکی نیز علاقمند به تجارت با ایران بودند، اما به سبب اصرار دولت دانمارک برای فروش تولیدات آن کشور در ازای واردات از ایران نمی‌توانستند در تجارت با ایران فعالیت کنند. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ۲۷۱-۱۷/۳-۱۳۲۵ش.) بدین ترتیب، گسترش روابط بازرگانی بین دو کشور با مانع بزرگی مواجه بود که به سیاست تجاری دولت‌های ایران و دانمارک بازمی‌گشت، زیرا هر دو بر معاملات غیرارزی و پایاپای اصرار می‌ورزیدند. کوشش طرفین در رفع این مانع تا سال ۱۳۲۵ش./ ۱۹۴۶ توفیق چندانی نداشت.^۲ با وجود این، سال‌های پس از جنگ با افزایش تجارت بین دو کشور همراه بود. آمار بازرگانی بین دانمارک و ایران در سال‌های ۳۷-۱۳۲۸ش./ ۵۹-۱۹۴۹م. گذشته از فراز و نشیب، بر عدم توازن آن به سود دانمارک دلالت دارد. در ۱۳۳۷ش./ ۱۹۵۸م. صادرات آن کشور ۳/۶۴ برابر وارداتش از ایران بود، موضوعی که نمی‌توانست مقبول تهران باشد (نک. جدول بازرگانی ایران- دانمارک). در آن زمان در میان کشورهای خریدار کالاهای ایرانی، دانمارک مقام بیستم و در میان کشورهای صادرکننده به ایران مقام نوزدهم را داشت. (نشریه اقتصاد، ۱۳۳۹:۱۵) در ۱۳۴۰ش./ ۱۹۶۲م. صادرات دانمارک به ایران به ۳۰ میلیون کرون در سال رسید که در مقایسه با سایر شرکای تجاری ایران چندان چشمگیر نبود. (ویتفلد، ۱۹۶۳) بنا بر گزارشی رسمی در همان زمان، کالاهای صادراتی ایران به دانمارک تنها فرش دستباف، خشکبار (به مقدار

۱. قرارداد پایاپای خصوصی با شرکت ایران و دانمارک در آرشیو. و. ا. خ.، ش بازیاقت: ۲۶۶-۷/۲-۱۳۲۷.

۲. در مورد سیاست ایران، نک. به عنوان نمونه به وزارت مالیه به وزارت طرق، ۱۳۱۵/۱/۲۵ و ضمائم، آرشیو. و. ا. خ.، ش بازیاقت: ۳۹-۵۲-۱۳۱۵ش.

کم) و خاویار را شامل می‌شد. در میان این کالاها، خاویار ایرانی با وجود کیفیت بهتر مجبور به رقابت با خاویار شوروی بود که با قیمت کمتر روانه بازار دانمارک می‌شد. مهم‌تر آنکه هیچ یک از اتباع دو کشور در تجارت خاویار ایران نقشی نداشتند، زیرا صدور این کالا از طریق یک شرکت فرانسوی و نیز یک بازرگان لبنانی صورت می‌گرفت (۱۳۴۱ش./۱۹۶۱م.).^۱ به نظر می‌رسد که دولت دانمارک، با توجه به این شرایط و استعداد موجود برای ارتقای روابط بازرگانی دو جانبه، تلاش جدیدی را برای گسترش تجارت با ایران آغاز کرد و این تلاش با سفر وزیر بازرگانی آن کشور به تهران شروع شد.^۲ از مذاکرات وزرای بازرگانی دانمارک و ایران در تهران به خوبی برمی‌آید که تا سال ۱۳۳۹ش./۱۹۶۰م. موضوع تعرفه‌های گمرکی و عدم تمایل سرمایه‌گذاران دانمارکی برای مشارکت در برنامه‌های توسعه در ایران از عمده موانع گسترش روابط اقتصادی بین دو کشور بود. (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ۳۵-۱۸-۱۳۳۹ش.) افزون بر این، اگر چه دانمارک با توجه به مشکلات موجود در بازارهای اروپایی، به اهمیت ایران به عنوان بازار هدف به خوبی آگاهی داشت (۱۳۴۲ش./۱۹۶۳م.) (ویتفلد، ۱۹۶۳)، اما مذاکرات و تبادل هیأت‌های اقتصادی نتوانست به راهکاری مناسب برای توسعه همکاری اقتصادی بین دو کشور منجر شود.^۳ در واقع چنین می‌نماید که دانمارک به رغم جایگاهش در

۱. مشفق کاظمی، مکتوب ۱۳۴۱/۱۱/۱۲ ش.

۲. در ۱۳۳۸ وزیر بازرگانی دانمارک که در برنامه‌ریزی سفری به ترکیه، از طریق سفارت ایران در استانبول برای دیداری از ایران اظهار تمایل کرده بود، به تهران دعوت شد، ر.ک. آرام به منصور، ۱۳۳۸/۱۱/۲۵، آرشیو. و. ا. خ.، ش بازیاقت: ۳۵-۹-۲۱-۱۳۳۸ش.

۳. به عنوان نمونه ر.ک. علی اصغر ناصر به سناتور علی وکیلی، ۱۳۳۹/۱۰/۲۶، آرشیو. و. ا. خ.، ش بازیاقت: ۳۵-۸۱-۱۳۳۹ش؛ همچنین خلعتبری (وزیر امور خارجه) به معینیان (رئیس دفتر شاه) در مورد سمیناری که وزارت امور خارجه ایران برای جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری با حضور بیش از ۳۰۰ نفر از صاحبان صنایع و اتحادیه کشاورزی دانمارک در کپنهاگ برگزار کرده بود، آرشیو. و. ا. خ.، ش بازیاقت: ۲۲/۶-۴/۲-۱۳۵۳ ش.

اسکاندیناوی، ناتو و سپس بازار مشترک اروپا و نیز وابستگی ایران به کمپ غرب در مقایسه با رقبای اروپایی و آسیایی خود فاقد ظرفیت و توان لازم برای پاسخگویی به نیازهای متنوع ایران حتی در دهه ۱۹۷۰ میلادی بود که دولت شاه با گشادهدستی دلار نفتی را هزینه می‌کرد. در زمینه عدم گسترش مناسبات اقتصادی و فنی بین دو کشور به همین اشاره اکتفاء می‌شود که بنا بر گزارش مهرانگیز دولتشاهی سفیر ایران در کپنهاگ، در سال ۱۳۵۵ ش. / ۱۹۷۶ م. و در آستانه انقلاب اسلامی، عدم توفیق دانمارکی‌ها برای مشارکت در برنامه‌های توسعه در ایران بر روابط دو کشور «سایه» افکنده بود و در این زمینه نوعی «دلزدگی و دلزدگی در بین دانمارکی‌هایی که قبلاً وقت و پول زیادی صرف فعالیت‌های خود در ایران نموده بودند، به چشم می‌خورد.» (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ۲۲/۶ - ۳۴/۱ - ۳۴/۱ - ۱۳۵۵ ش.).

روابط بازرگانی ایران و دانمارک (۱۳۳۷-۱۳۰۹ ش. / ۱۹۵۹-۱۹۳۰ م.)^۱

سال اقتصادی (ش / م)	ارزش مجموع واردات از دانمارک (ریال)	ارزش مجموع صادرات به دانمارک (ریال)
۱۹۳۰-۳۱/۱۳۰۹-۱۰	-	-
۱۹۳۱-۳۲/۱۳۱۰-۱۱	-	-
۱۹۳۲-۳۳/۱۳۱۱-۱۲	۲۱۳۵۴	-
۱۹۳۳-۳۴/۱۳۱۲-۱۳	۱۰۶۸۳۹۸۸	۳۱۲۴۶
۱۹۳۴-۳۵/۱۳۱۳-۱۴	-	-
۱۹۳۵-۳۶/۱۳۱۴-۱۵	۲۱۲۲۱۲	۱۶۷۸۵۳۲۸
۱۹۳۶-۳۷/۱۳۱۵-۱۶	۱۱۸۲۴۲۵	۱۷۴۰۹۸۱۳

۱. منابع: اداره کل گمرکات ایران، احصائیه/ آمار تجارتي ایران (سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۰۹ ش.)؛ "روابط بازرگانی ایران و دانمارک،" نشریه اقتصاد، نامه اتاق بازرگانی، ۹۱ (۱۳۳۹)، صص ۱۹-۱۵؛ تذکر آنکه ارقام فوق صادرات نفت و مشتقات آن را شامل نمی‌شود.

۱۴۲۶۵۶	۷۷۶۸۲	۱۹۳۷-۳۸/۱۳۱۶-۱۷
۲۳۶۴۰۸	۴۸۲۴۷۷۵	۱۹۳۸-۳۹/۱۳۱۷-۱۸
۴۸۲۴۱	۸۷۶۶۶۶	۱۹۳۹-۴۰/۱۳۱۸-۱۹
۴۳۷۹۸۰۰	۲۸۵۱۹	۱۹۴۰-۴۱/۱۳۱۹-۲۰
-	۱۰۳۰	۱۹۴۱-۴۲/۱۳۲۰-۲۱
-	-	۱۹۴۲-۴۳/۱۳۲۱-۲۲
۱۰۲۵۶	-	۱۹۴۳-۴۴/۱۳۲۲-۲۳
۴۳۶۳۰۰	۷۰۰۰	۱۹۴۴-۴۵/۱۳۲۳-۲۴
۱۵۳۸۴۸	۶۶۹۹۰	۱۹۴۵-۴۶/۱۳۲۴-۲۵
۱۶۰۱۶۷	۱۲۵۱۳۵۵	۱۹۴۶-۴۷/۱۳۲۵-۲۶
۷۴۶۰۸۷	۱۴۸۲۳۷۷	۱۹۴۷-۴۸/۱۳۲۶-۲۷
۷۴۶۰۸۷	۱۴۸۲۳۷۷	۱۹۴۸-۴۹/۱۳۲۷-۲۸
۱۰۱۱۷۴۵	۳۳۶۵۸۰۷	۱۹۴۹-۵۰/۱۳۲۸-۲۹
۱۸۶۰۵۸۰	۴۸۵۰۹۳۸	۱۹۵۰-۵۱/۱۳۲۹-۳۰
۲۲۹۰۰۲	۴۰۴۲۹۵۰	۱۹۵۱-۵۲/۱۳۳۰-۳۱
۹۱۷۳۹۴۲	۱۵۹۴۹۰۷۷	۱۹۵۲-۵۳/۱۳۳۱-۳۲
۷۶۴۰۰۰	۵۴۲۹۰۰۰	۱۹۵۳-۵۴/۱۳۳۲-۳۳
۱۱۷۲۱۳۰۰۰	۳۰۶۵۳۰۰۰	۱۹۵۴-۵۵/۱۳۳۳-۳۴
۳۵۸۵۰۰۰	۴۱۵۶۱۰۰۰	۱۹۵۵-۵۶/۱۳۳۴-۳۵
۵۰۰۴۹۱۸۶	۱۸۱۹۸۷۶۸۷	۱۹۵۶-۵۷/۱۳۳۵-۳۶

از دیدگاه روابط فرهنگی نیز معاهده مودت فوریه ۱۹۳۴ نیز دستاورد مورد انتظار را به بار نیاورد، هرچند که سنت دانمارکی مطالعات ایرانی در مؤسسه ایرانشناسی دانشگاه کپنهاگ همچنان ادامه داشت و هر از چند گاه برخی از اساتید دانمارکی به ایران سفر می‌کردند.^۱ به رغم موافقت دولت دانمارک برای همکاری علمی و تبادل استاد

۱. به عنوان نمونه رک. یادداشت سفارت دانمارک به وزارت امور خارجه ایران در مورد سفر ۳ استاد دانمارکی به ایران، سال ۱۳۱۵.ش. ۳ ژانویه ۱۹۳۷م. در آرشیو. و. ا. خ. ش. بازیافت: ۸۰-۶-۱۳۱۵ ش؛ در مورد سفر پروفسور بار و پروفسور

و دانشجوی بین دانشگاه‌های دو کشور و همچنین اعطای تعداد کم شماری بورس تحصیلی و پذیرش ایرانیان برای دوره‌های کوتاه مدت در رشته‌های فنی در دانمارک نیز نتوانست به توسعه چشمگیر روابط علمی و فرهنگی بین دو کشور منجر شود.^۱ این در حالی بود که تلاش سفارت ایران در کپنهاگ برای انعقاد قرارداد فرهنگی بین دو کشور نیز تا سال ۱۳۵۵ ش. توفیقی به همراه نداشت.^۲ با وجود این، کوشش تعدادی از ایران‌شناسان دانشگاه کپنهاگ، وزارت آموزش و پرورش، معاون فرهنگی وزارت امور خارجه دانمارک، مسئولین موزه ملی دانمارک و نیز تعدادی از صاحبان صنایع دانمارک که با ایران روابط بازرگانی داشتند، منجر به تأسیس «انجمن دوستی ایران و دانمارک» در کپنهاگ گردید که هدف آن «ایجاد دوستی و ارتباط فرهنگی و اجتماعی و ورزشی بین دو کشور از طریق برگزاری سمینارها و نمایشگاه‌ها، جلسات سخنرانی و فیلم، انتشار مقالات و رسالات» ذکر شده

آسموسن در ۱۳۴۲ ش. همانجا، ش. بازیافت: ۴۳-۱۴۹-۱۳۴۲ ش؛ سفر تعدادی از اعضای اتحادیه مهندسين دانمارک در ۱۳۴۵، همانجا، ش. بازیافت: ۲۸-۱۷۷-۱۳۴۵؛ برای کاوش‌های باستانشناسی در ایران، ر.ک. مشفق کاظمی به وزارت امور خارجه، ۱۳۴۱/۱/۹ ش. آ. و. ا. خ. ش. بازیافت: ۱۳۳-۲۰-۱۳۳۸.

۱. ظاهراً روابط علمی بین دو کشور در ۱۳۴۴ ش. و با اعطای ۳ بورس از سوی سازمان ملل متحد جهت شرکت در دوره آموزشی در انستیتوی تکنولوژی دانمارک آغاز شد، نک. مهندس ح. نفیسی به وزارت امور خارجه، ۱۳۳۴/۳/۹ ش. آ. و. ا. خ. ش. بازیافت: ۱۷-۲-۱۳۳۴؛ با گذشت زمان از سوی دولت دانمارک هم تعدادی کم‌شمار بورس تحصیلی از طریق دولت ایران در اختیار دانشجویان ایرانی قرار می‌گرفت که از جمله آن می‌توان به اعطای ۵ بورس در رشته‌های واکسن و سرم سازی در ۱۳۵۳ ش. اشاره کرد، ر.ک. یادداشت وزارت امور خارجه ایران به سفارت دانمارک، ۱۳۵۳/۴/۳، همانجا، ش. بازیافت: ۳۲۲-۴۰-۱۳۵۳؛ ناگفته نماند که J. Saxild، مدیر کل کامپ ساکس، در بازدید از دانشگاه پلی تکنیک تهران (۱۳۴۶ ش./۱۹۶۴ م) از تمایل دولت و سرمایه‌داران دانمارک برای کمک به گسترش فرهنگ در ایران خبر داد، نفیسی به وزارت امور خارجه، ۱۳۴۶/۴/۲۴، آ. و. ا. خ. ش. بازیافت: ۵۷-۱۵۰-۱۳۴۶ ش. در رابطه با بورس تحصیلی برای ایرانیان به جا است که به دو یادداشت رسمی وزارت امور خارجه ایران به سفارت دانمارک در ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ اشاره شود که در باره پاسخ دانمارک به آنها اطلاعی در دست نیست، برای یادداشت‌ها، ر. ک. آرشیو. و. ا. خ. ش. بازیافت: ۳۲۲-۴۰-۱۳۵۳ ش و ۳۲۲-۴۰-۱۳۵۴ ش. با وجود این، موضوع تحصیلات دانشگاهی در دانمارک همواره تحت الشعاع اعزام دانشجویان به کشورهای صاحب فناوری اروپا (بریتانیا، آلمان و فرانسه) قرار داشت.

۲. علی اکبر سیدزاده به اداره روابط فرهنگی وزارت امور خارجه، ۲۵۳۵/۲/۵؛ دولت‌شاهی به رؤسای دانشگاه‌های تهران، اصفهان، آذربادگان و پهلوی شیراز، آرشیو. و. ا. خ. ش. بازیافت به ترتیب: ۵۱۱-۵۴-۱۳۵۵ ش و ۲۸۹-۳۹-۱۳۵۵ ش.

است (۱۳۵۵ش/۱۹۷۶م). (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ۳۰۳-۳۹-۱۳۵۵ش. و ۲۴/۱-۳۴/۲-۱۳۵۵ش.) با توجه به تقارن تأسیس این انجمن با برگزاری جشن دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی در ایران می‌توان حدس زد که پاسخی به انتظارات شاه بود. در مورد کارنامه فعالیت این انجمن تا پایان عصر پهلوی چیزی جز برگزاری یک ضیافت به مناسبت نوروز ۱۳۵۶ش/۱۹۷۶م. از سوی سفارت ایران در کپنهاگ گزارش نشده است.^۱

به هر روی، مناسبات دو جانبه ایران و دانمارک با همه فراز و فرود و نیز عدم توازن آن در عصر پهلوی هنوز تحولات بیشتری را پیش رو داشت که آغازش به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م.) باز می‌گردد که با ورود متغیرها و ملاحظات جدید به این مناسبات همراه بود.

نتیجه

در روابط خارجی ایران تعامل با دانمارک مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. سخن از چنین مناسبات یا دامنه آن برای ادوار پیش از سده ۱۳ش/۱۹م. چندان مستند به نظر نمی‌رسد. از این روی، نیمه دوم سده مذکور را باید آغاز تلاش برای برقراری مناسبات سیاسی میان دو کشور دانست، هر چند که اقدامات طرفین نتوانست به روابطی مستقیم و چند بُعدی منجر شود. در سده ۱۴ش/۲۰م. چنین روابطی در حالی برای دانمارک متضمن فرصت‌های اقتصادی بود که برای ایران، آزمونی مهم به منظور کارآمدی

۱. همو به همان، تلگرام، ۲۵۳۶/۱۲/۲۴، آشیو. و. ا. خ، ش بازیافت: ۲۵۰-۳۱-۱۷-۵۸-۱۳۵۶ ش؛ برای فعالیت این انجمن پس از انقلاب اسلامی، نک:

Jes P. Asmussen, "Danish-Iranian Society", Encyclopædia Iranica, vol. III, 1994, pp.

راهبرد همکاری با قدرتهای درجه دوم غربی و توسعه نیز محسوب می‌شد. مطالعه موردی این راهبرد در قضیه مناسبات با دانمارک، افزون بر نشان دادن نقش بخش خصوصی دانمارک در برقراری این روابط و نتایج سازنده و عینی آن، محدودیتها و آسیب پذیری این مناسبات را نیز آشکار می‌سازد. این کاستی‌ها نه از نفس مناسبات دو جانبه دولتین ایران و دانمارک بلکه از ناتوانی هر دو دولت در دفاع از منافع خود در مقابل قدرتهای بزرگ از یک سوی و طبیعت روابط آنها با قدرتهای بزرگ از سوی دیگر ناشی می‌شد. در واقع سیاست و اقدامات قدرتهای بزرگ به عنوان متغیری مستقل توانست با مداخله در مناسبات دو جانبه ایران و دانمارک، آن را تحت تأثیر خود قرار داده و موجبات قطع مناسبات دوستانه و در حال گسترش بین دو کشور را فراهم آورد. این به نوبه خود بر عدم درک واقع‌گرایانه از مناسبات بین‌المللی در طراحی راهبرد همکاری با قدرتهای درجه دوم اروپایی از سوی ایران نیز دلالت دارد. اگر چه تا پیروزی انقلاب اسلامی هر دو کشور ایران و دانمارک در اردوگاه غرب قرار داشتند، اما این ویژگی نتوانست به گسترش فراگیر روابط دو جانبه آنها کمک شایانی کند، زیرا محدودیت ظرفیت‌های اقتصادی و فنی طرف دانمارکی و وجود رقبای غربی و آسیایی مانع دیگری در راه توسعه مناسبات اقتصادی و فنی بین دو کشور بود، بویژه آنکه عدم گسترش روابط فرهنگی و مردمی در همان دوره مانع از تعمیق روابط میان دو ملت می‌شد.

منابع و مآخذ

اسناد

- آرشیو وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران:
- علیقلی ممتازالسلطنه به وزرات امور خارجه (مکاتبات جلوس احمدشاه) ۲۶-۶-۵۸-۱۳۲۸ق.
- گزارش جنرال کنسولگری ایران در تفلیس به وزارت امور خارجه ۱۱۵-۵/۱-۷-۱۳۲۴ق. و ۱۱-۵-۱۲-۱۳۲۹ق.
- گزارش کنسول ایران در باکو به وزارت امور خارجه ۶۳-۱۰-۱۲-۱۳۲۹ق.
- سواد متن استوارنامه با امضای ناصرالملک ۱۱۴-۵-۵۸-۱۳۳۰ق.
- تقاضانامه استخدام هاکن کریستن سن پزشک دانمارکی ۱۰۷-۴-۹-۱۳۲۵ق.
- پرونده مربوط به کارمندان سفارت دانمارک ۶۱-۶۶-۱۳۲۲ش.
- نامه فضل الله نبیل به اداره تشریفات وزارت امور خارجه ۲۴-۴۳-۱۳۳۶ش.
- گزارش هرمز قریب ۵۵-۴۳-۱۳۳۶ش.
- ع.ا. ناصر گزارش ورود به کپنهاک و تقدیم استوارنامه به پادشاه دانمارک ۶۴-۴-۵۰-۱۳۳۸ش.
- گزارش ح.مشفق کاظمی به وزارت امور خارجه ۲-۲۸-۴-۵۰-۱۳۳۸ش.
- نامه وزارت امور خارجه به وزارت راه ۳۹-۱۱-۱۳۲۹ش.
- ترجمه نامه کاردار ایران به وزارت امور خارجه در باره لغو روادید و ترجمه مکتوب وزارت امور خارجه دانمارک ۲۶۸-۸۹/۲-۱۳۴۶ش.
- مشفق کاظمی، ترجمه روزنامه هلسینگورداک ۳۷-۱۰۹-۱۳۴۰ش.
- اسناد پل آکسل و شرکت ایران و دانمارک ۲۷۱-۱۷/۳-۱۳۲۵ش. و ۲۶۶-۷/۲-۱۳۲۷ش.
- نامه وزارت مالیه به وزارت طرق ۳۹-۵۲-۱۳۱۵ش.
- نامه آرام به منصور در باره اظهار تمایل وزیر بازرگانی دانمارک برای دیدار از ایران ۳۵-۹-۲۱-۱۳۳۸ش.
- گزارش جواد کوثر ۳۵-۱۸-۱۳۳۹ش.
- نامه علی اصغر ناصر به سناتور علی وکیلی ۳۵-۸۱-۱۳۳۹ش.
- نامه خلعتبری وزیر امور خارجه به معینیان رئیس دفتر شاه در مورد سمینار جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری صاحبان صنایع و اتحادیه کشاورزی دانمارک در کپنهاک ۲۲/۶-۴/۲-۱۳۵۳ش.
- نامه مهرانگیز دولتشاهی به خلعتبری ۲۲/۶-۳۴/۱-۱۳۵۵ش.

یادداشت سفارت دانمارک به وزارت امور خارجه ایران در مورد سفر استادان دانمارکی به ایران ۲۸-۱۷۷-۱۳۴۵ ش. و ۴۳-۱۴۹-۱۳۴۲ ش. و ۸۰-۶-۱۳۱۵ ش.
 نامه مشفق کاظمی به وزارت امور خارجه برای کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران ۱۳۳-۲۰-۱۳۳۸ ش.
 روابط علمی دو کشور ۳۲۲-۴۰-۱۳۵۳ ش. و ۱۷-۲-۱۳۳۴ ش. و ۳۲۲-۴۰-۱۳۵۴ ش. و ۵۷-۱۵۰-۱۳۴۶ ش. و ۵۱۱-۵۴-۱۳۵۵ ش. و ۲۸۹-۳۹-۱۳۵۵ ش.
 نامه دولتشاهی به خلعتبری و خلعتبری به معینیان ۳۰۳-۳۹-۱۳۵۵ ش. و ۲۴/۱-۳۴/۲-۱۳۵۵ ش. و ۲۵۰-۳۱-۱۳۵۶-۵۸-۱۷ ش.

انتشارات رسمی

اداره کل گمرکات ایران، احصائیه تجارتي ایران، تهران، سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۰۹ ش.
 مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجه، به کوشش: مؤتمن الملک، تهران، ۱۳۲۸، ق/ ۱۹۰۸ م.
 مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی
 Iran: Political Diaries, vol. 11, ed. R. M. Burrell, Archive Edition, London, 1977.

روزنامه

ایران

کتاب‌ها و مقالات

اعتماد السلطنه، (۱۳۶۷) **تاریخ منتظم ناصری**، به کوشش: ا. رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
 "روابط بازرگانی ایران و دانمارک،" نشریه اقتصاد، نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۳۹ ش. ۹۱ صص ۱۸-۱۵.
 "ماجرای توقیف کشتی بازرگانان جافا و اعتراض دولت ایران به دولت دانمارک،" فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۳۷۹ ش. ۳، صص ۲۴۹-۲۳۹.

Abildgren, K., "Consumer prices in Denmark 1502-2007, *Scandinavian Economic History Review*, (2010) 58:1, pp. 2-24.

Asmussen, Jes P., "Danish-Iranian Society", *Encyclopædia Iranica*, 1994, vol. VII, pp. 292.

Churchill, Sir W., (1986) **The Second World War**, (The Grand Alliance), Houghton Mifflin Co., Boston.

Clawson, P., "Knitting Iran Together: The Land Transport Revolution, 1920-1940," *Iranian Studies* (1993), 26: 3-4, pp. 235-250.

Cronin, S., "An Experiment in Military Modernization: Constitutionalism, Political Reform and the Iranian Gendarmerie, 1910-21, *Middle Eastern Studies*, (1996), Vol. 32: 3, pp. 106-138.

Eshraghi, F., "Anglo-Soviet Occupation of Iran in August 1941", *Middle Eastern Studies*, (1984), 20: 1, pp. 27-52.

- _____, "The Immediate Aftermath of Anglo-Soviet Occupation of Iran in August 1941", *Middle Eastern Studies*, (1984), 20: 3, pp. 324-351.
- Grajdanzev, A., "Supply Routes to the Soviet Union", *Far Eastern Survey*, (1942), 11:5, pp. 62-66.
- Gram-Skjoldager, K., "The Law of the Jungle? Denmark's International Legal Status during the Second World War", *The International History Review*, (2011), 33-2, pp. 235-256.
- Henriksen, I., "An Economic History of Denmark," in EH.net.
- Hiden, J., and T. Lane, **The Baltic and the Outbreak of the Second World War**, Cambridge University Press, Cambridge, 2002.
- Hildebrand, K. G., "Labour and Capital in the Scandinavian Countries in the Nineteenth and Twentieth Centuries" *The Cambridge Economic History*, vol. 7 (part 1), eds. P. Mathias and M. M. Postan, Cambridge University Press, Cambridge, 1978, 590-624.
- K. G., "Allied Supply Routes to S.E. Russia", *Bulletin of International News*, (1942), 19: 6, pp. 223-227.
- Kozhanov, N. A., "The Pretexts and Reasons for the Allied Invasion of Iran in 1941", *Iranian Studies*, (2012), 45:4, pp. 479-497.
- Lemańczyk, S., "The Trans-Iranian Railway – History, Context and Consequences", *Middle Eastern Studies*, (2013), 49:2, pp. 237-245.
- Liddell Hart, Sir B., "The Second World War," in *The New Cambridge Modern History*, vol. XII, ed. C. L. Mowat, Cambridge University Press, London, 1968, pp. 735-797.
- Lockhart, L., "European Contacts with Persia, 1350- 1736," *Cambridge History of Iran*, vol. VI, eds. P. Jackson and L. Lockhart, Cambridge University Press, Cambridge, 1986, pp. 373-412.
- Mathee, R. P. (1999), **the Politics of Silk Trade in Safavid Iran: Silk for Silver, 1600-1730**, Cambridge University Press, Cambridge.
- Stolze, F. and F. C. Andreas (1885), *Die Handelsverhältnisse Persiens*, Petermanns Mitteilungen, no. 31.
- Straumann, T. (2010), **Fixed ideas of money: small states and exchange rate regimes in twentieth century Europe**, Cambridge University Press, Cambridge.
- Topp, N-H., "Unemployment and Economic Policy in Denmark in the 1930s," *Scandinavian Economic History Review*, (2008), 56:1, pp. 70-91.
- Vahman, F., "Denmark", *Encyclopædia Iranica*, , vol. VII, 1994, pp 289-292.
- Vail Motter, T. H. (1952), **The Persian Corridor and Aid to Russia**, Washington, D.C.
- Wright, E. M., "Iran as a Gateway to Russia", *Foreign Affairs*, (1942), 20: 2, pp. 367-371.